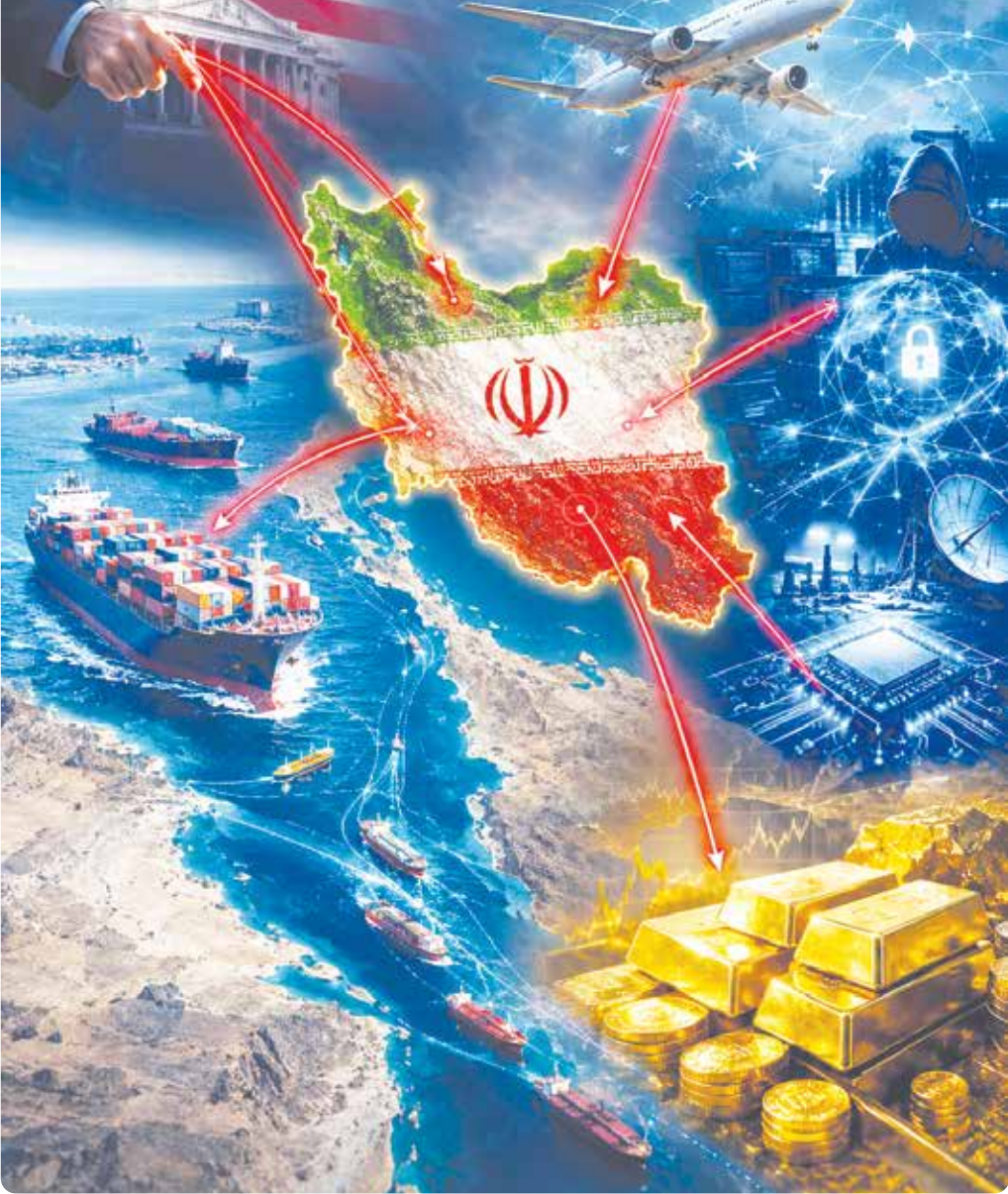


چگونه آمریکا شریان‌های غیراقتصادی ایران را نشانه رفت؟

مهندسی ریسک در تنگه هرمز



پس از تفاهم‌نامه بانک مرکزی ۴.۵ میلیارد دلار ارز از بازار جمع کرد

بنزین ارزان فدای دلار گران

یک کارشناس بازار سرمایه با اشاره به افت اخیر بورس و نوسانات بازارهای ارز و طلا، معتقد است اقتصاد ایران در شرایط «نه جنگ، نه صلح» قرار گرفته و همین وضعیت مبهم فشار مضاعفی بر بازارها وارد کرده است. به گفته بهنام صمدی، با وجود رشد اخیر قیمت سهام، بازار سرمایه همچنان از رشد نرخ ارز عقب مانده و در صورت کنترل تنش‌ها می‌تواند بازدهی بیشتری نسبت به دلار و طلا داشته باشد.

بهنام صمدی، کارشناس بورس و بازار سرمایه، درباره هم‌زمانی نوسانات بازار ارز و طلا با وضعیت بورس اظهار کرد: بازار ارز و طلا نیز در روزهای اخیر نوسانات شدیدی را تجربه کردند و روند آنها افزایشی بود. بخش مهمی از این وضعیت به تورم بالای حاکم بر اقتصاد ایران بازمی‌گردد. در ماههای گذشته قیمت انواع کالاها و خدمات در داخل، با شدنی بیش از قیمت ارز افزایش پیدا کرد.

وی افزود: دلار نیز در نهایت یک کالا است و نرخ آن خود را با تورم تعدیل می‌کند. علاوه بر تورم، کشور در شرایطی قرار دارد که هم‌زمان با جنگ اقتصادی و تنش‌های نظامی مواجه است و این عوامل نیز بر بازار ارز اثرگذار هستند. این کارشناس بازار ادامه داد: دلیل اینکه در جریان جنگ ۴۰ روزه نرخ دلار افزایش قابل توجهی نداشت، توقف بخش زیادی از فعالیت‌های اقتصادی بود. در آن مقطع تقاضای اقتصادی به شدت کاهش پیدا کرده بود و همین مسئله اجازه جهش جدی به بازار ارز نداد.

به گفته صمدی، وضعیت فعلی از منظر اقتصادی حتی می‌تواند از شرایط جنگ کامل نیز زبان‌بار تر باشد، زیرا کشور در وضعیت نه جنگ و نه صلح قرار گرفته است.

او توضیح داد: در جنگ کامل، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی تعطیل می‌شود و تکلیف اقتصاد روشن‌تر است، اما اکنون بخشی از فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت پراکنده ادامه دارد، در حالی که فضای کلی اقتصاد کاملاً مبهم و تیره است و همین ابهام بر تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی اثر منفی می‌گذارد.

صمدی تأکید کرد: بنابر این فشار تورمی از یک سو و تنش‌هایی مانند حملات و محاصره اقتصادی از سوی دیگر، هم‌زمان بر افزایش نرخ ارز اثرگذار بوده‌اند.

شرح درصحه ۶



کدام دولت رکورد تغییر در تأمین اجتماعی را زد؟

۸مدیر برای یک سازمان در ۸سال

صفحه ۲

فحاشی خداداد به «بن فوتبال» و فریادهایی با الفاظ رکبک داخل پرانتز

امان از عزیزی‌هایی که عزیز نیستند!

صفحه ۵



پرواز شاخص بورس به کانال ۶۶ میلیون واحدی

بورس تهران شگفتی‌ساز شد

صفحه ۶

یادداشت

کشاورزی، شاهراه گذار کهگیلویه و بویر احمد به توسعه پایدار

رضا فرازی*

توسعه در وهله ی اول و در واقع از يك منظر در دل تفاوت زاویه ی نگاه ها، رویکرد ها و ریل گذاری ها می گذرد. دست بر قضا دلیل وابستگی بالای توسعه به عامل انسانی را نیز می توان ناشی از اثرگذاری تغییر رویکردها و نگرش ها به واسطه و با عاملیت انسان دانست. جوامع در حال توسعه از يك منظر برتری و غنیمت بادآورده ای را برای نیل به توسعه در چنگ دارند و آن اینکه در صورت انتخاب مسیر درست و عبرت گیری از تجارب تاریخی، هزینه ی آزمون خطاها و تجربه های شکست خورده ی بشری که حین توسعه ی کشورهای توسعه یافته حاصل شده است را نپردازند. بر کسی پوشید نیست که امنیت غذایی رکن کلین توسعه و از آن مهمتر استقلال يك کشور است. آن هم کشوری همچون ایران عزیز که در کوران حوادث مختلف در گیر و گزار است، از دیگر سو که ایران پذیرفته به پای پاسداری از استقلال خود استوار و راسخ طی طریق حکمرانی کند. امنیت غذایی علاوه بر ایران يك چالش جهانی است چرا که افزونش جمعیت جهانی و در کنار آن کاهش سطوح تولید غذا از قبَل این فزونی جمعیت، دغدغه ای بزرگ برای سیاست گزاران و حکمرانان عصر حاضر ایجاد کرده است. بنابراین و بر اساس گفته های فوق در کشور در حال توسعه ای همچون ایران آن هم برای يك بخش بسیار حیاتی همچون امنیت غذایی، پیروزی در گرو رصد دقیق فرصت ها، منابع و در نهایت بهره برداری صحیح از این منابع برای توسعه ی پایدار کشور و نهایتا حفظ استقلال و عزت ملی حرکت داشته باشد.

استان کهگیلویه و بویراحمد با اقلیم چهار فصل، دارابودن ۱۱ درصد آبهای جاری، قرار گرفتن در بین ۵ استان بزرگ کشور با فاصله ی زمانی کم) خاستگاه و رویشگاه دامنه ی گسترده ای از گیاهان دارویی) ارزش افزوده بسیار بالا)، قرار گیری بین ۵ استان بزرگ کشور(اصفهان،فارس، خوزستان، بوشهر،یزد، و موقعیت ژئوپولیتیکی ویژه که جنوب کشور به مرکز و غرب به شرق را متصل می کند به نظر در نگاه بخش سیاست گزاران بخشی کشاورزی کشور تا کنون کم دیده و بلکه نادیده گرفته شده است. امتیازهای بکر و بی نظیر گفته شده در بالا آنقدر پر رنگ و اثرگذارند که تا کنون نباید در نگاه سیاست گزاران بخش کشاورزی به ویژه در موقعیت خطیر کنونی کشور-البته با در نظر داشتن اهمیت امنیت غذایی در حکمرانی ایران- چنین کم ربق و ناتوان دیده می شد. این نکته رااز یاد نبریم که پتانسیل های گفته شده ی استان کهگیلویه و بویراحمد در بخش کشاورزی در صورت توجه و سرمایه گذاری کاملاً مطبق بر مبانی توسعه ی پایدار است.به عنوان مثال سرمایه گزاری در بخش گیاهان دارویی استان یا استفاده ی بهینه از ظرفیت آب های جاری امکان افزایش تولید محصولات غذایی تا سقف ۳ میلیون تن را داراست(ظرفیت تولید کنونی ۱/۱۲۱ میلیون تن در قارقریب به ۱۰۰ هزارتن ظرفیت صنایع تبدیلی است).

رتبه ی سوم تولید ماهیان سرد آبی کشور تربط استان کهگیلویه و بویراحمد در کنار داشتن حتی يك واحد صنایع تبدیلی در زمینه کنسروسازی یا بسته بندی ماهی، عدم تکمیل زنجیره ارزش افزوده و در نهایت عقیم ماندن توسعه ی اقتصادی ظرفیت های بخش کشاورزی استان خود نشانه ی پر واضعی از مثنوی های بخش کشاورزی استان است. در گیاهان دارویی با در نظر گرفتن استعدادهای خدادادی استوار در این بخش و با توجه به نیاز روز افزون جهان به مواد موثره ی موجود در گیاهان دارویی حکایت بسیار غم انگیزتر است چرا که هنوز ظرفیت کشت، تولید و توسعه گیاهان دارویی اندر يك خم کوجه مانده و تولید فعلی استان شاید در حد و اندازه ی دهم و صدم مانده باشد تا چه رسد به صنایع تبدیلی گیاهان دارویی و تکمیل زنجیره ارزش این بخش. از طرفی موقعیت ویژه ی ژئوپولیتیکی استان امکان تبدیل این استان به هاب تولید و ذخیره ی غذا برای استان های بزرگ همچوار را داراست.

سخن به گزاف نرانده ایم اگر کهگیلویه و بویراحمد، استعداها وظرفیت های مغفول مانده بخش کشاورزی این استان را ایران در مقیاس کوچک بدانیم با همان ثروت های بی نظیر خدادادی. باشد که این نوشته به دست سرمایه گزاران ایران دوستی برسد که هنوز ظرفیت های مغفول مانده و دیده نشده ی ایران عزیز را ببینند، بشناسند و دست به کار شوند...

*رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد

محمدباقر قالیباف با بیان اینکه دوران «پاسخ‌های متناسب» به پایان رسیده است

پاسخ ایران سریع، سنگین و دردناک خواهد بود

صفحه ۱



عابدۀ بهمن‌پور

سرمقاله



دیکتاتوری «حال خوب»؛ چرا جامعه‌ی امروز تاب دیدن غم کودکان را ندارد؟

چگونه ترس از «تروما»، مصرف‌گرایی و روان‌شناسی زرد، فرصت تاب‌آوری را از نسل فردا می‌گیرد؟ کودک در راهروی فروشگاه زمین خورده یا اسباب‌بازی‌اش شکسته است؛ اشک می‌ریزد و صدای گریه‌اش بلند می‌شود. واکنش معمول و فوری بزرگسالان چیست؟ «گریه نکن عزیزم! بیا این شکلات را بخور»، «ببین تو تلبت چه کارتون قشگی هست!» یا «غصه نخور، الان می‌رویم یکی بزرگ‌تر و بهترش را می‌خریم!».

در نگاه اول، این تلاشی مهربانانه برای آرام کردن یک کودک است، اما اگر با عینک اجتماعی و فرهنگی به این صحنه‌ی تکراری در خانه‌ها، پارک‌ها و فروشگاه‌ها نگاه کنیم، با پدیده‌ای عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تر روبه‌رو می‌شویم: سب‌طری «دیکتاتوری حال خوب» بر جامعه؛ فرهنگی که به ما القا می‌کند انسان موفق و سالم، انسانی است که همیشه شاد است و هرگونه احساس غم، ناکامی یا خشم، یک «نقص» یا «بحران» است که باید فوراً سرکوب یا پنهان شود.

اضطراب جمعی والدین در تله‌ی روان‌شناسی زرد

پیش از هر چیز باید با شفقت به والدین امروز نگاه کرد. آن‌ها در این شتاب‌زدگی برای پاک کردن اشک‌های کودکشان، مقصر نیستند؛ بلکه خود قربانی یک اضطراب جمعی‌اند. جامعه‌ی امروز، زیر بمباران اطلاعاتی شبکه‌های اجتماعی و روان‌شناسی پاپ (بازاری)، والدین را ترسانده است. مفاهیم تخصصی روان‌شناسی مانند «تروما»، «طرح‌واره» و «کودک درون آسیب‌دیده»، به ابزارهایی برای ایجاد وحشت تبدیل شده‌اند.

ادامه درصحه ۲

پکن به دنبال خاورمیانه‌ای مستقل از مداخله خارجی

ایران در معادله امنیتی چین

در این روند، از چند جهت به ضرر چین است. از یک سو کشورهای جنوب خلیج فارس، اگر تصور کنند که چین حامی قاطع ایران است، ممکن است در بی‌طرفی و قابل اعتماد بودن قدرت دوم اقتصادی جهان تردید کنند و تصور کنند که چین از سلطه جمهوری اسلامی ایران بر منطقه حمایت می‌کند.

از سوی دیگر حمایت چین از ایران، پکن را مستقیماً در مقابل ایالات متحده آمریکا قرار می‌دهد. پکن همواره تلاش کرده‌است که رقابت با واشنگتن را بدون رویارویی مستقیم مدیریت کند، چرا که در شرایط فعلی ترجیح می‌دهد بدون درگیری شدن در جنگ‌ها و مناقشه‌های امنیتی هزینه‌بر، به صورت سیاسی و اقتصادی نفوذ خود را در جهان گسترش دهد و درآمده‌یاش را به جای هدر دادن در میدان جنگ، در حوزه توسعه و پیشرفت فناوری و صنعتی به کار گیرد. صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه، چه از طریق پایان تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، چه در موضوع فلسطین (که یکی از موارد مورد اشاره‌ش در دیدار با سبسی بود) و بنیان طرح چهار ماده‌ای است)، عاملی برای تقویت اقتصاد و توسعه چین است، چرا که باعث ثبات در تأمین انرژی این کشور و در عین حال کاهش هزینه‌های واردات انرژی خواهد شد.

معماری امنیتی مستقل از آمریکا

به رغم بی‌میلی پکن به ورود به مناقشه جاری در خاورمیانه، چین به صورت مستقیم از خطاهای راهبردی آمریکا در منطقه غرب آسیا منفعت می‌برد. سون دگانگ، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه فودان، به روزنامه گلوبال تایمز چین می‌گوید: «اواستکی امنیتی چنددهه‌ای به قدرت‌های فرانمطه‌ای در زمان بروز تهدیدهای واقعی نتوانست امنیت پایدار ایجاد کند. کشورهای منطقه در حال بازنگری استراتژیک هستند تا از تبدیل شدن به پیاده‌نظام یا سیبل رقابت قدرت‌های بزرگ جلوگیری کنند.»

به همین دلیل است که بر اساس بیانیه رسمی دولت چین شی جین‌پینگ در گفت‌وگو با عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهور مصر تأکید کرد: «کشورهای خاورمیانه باید با مداخلات و فشارهای خارجی مخالفت کنند. چین آماده است با کشورهای منطقه برای تأمین امنیت مسیرهای بین‌المللی کشتیرانی و پیشبرد همکاری‌های توسعه‌ای همکاری کند.»

تنگنایی بی‌سابقه قرار داده‌است که در بلندمدت می‌تواند رشد اقتصادی چین را کند کند و مسیر توسعه اقتصادی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان چین به دلایل مختلف تلاش کرده‌است تا رویکردی منطقی و حساب‌شده نسبت به بحران در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه نشان دهد. چین در طول یک دهه گذشته، زیر سایه کارزار فشار حداکثری آمریکا و تحریم و جنگ علیه مردم ایران، همواره به عنوان مشتری اصلی نفت خام ایران، حتی یک روز هم روابط تجاری و اقتصادی خود را با تهران قطع نکرده‌است. دولت چین در واکنش به اعلام عملیات جدید آمریکا علیه ایران نیز بار دیگر بر مخالفت خود بر تحریم‌های یکجانبه و جنگ اقتصادی تأکید کرد. لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین در واکنش به اعلام عملیات جدید جنگ اقتصادی علیه ایران از سوی وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: ««جنگ اقتصادی، تحریم‌های یک‌جانبه و کارزار فشار حداکثری هرگز باعث حل مسائل نخواهد شد، بلکه تنها تنش‌ها را تشدید کرده، ریسک سرایت بحران را افزایش داده و نظم مالی و اقتصادی جهان را مختل می‌کند. چین تمام اقدامات لازم را برای حفاظت از منافع مشروع شرکت‌های خود انجام خواهد داد.»

ژائو لونگ، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک بین‌الملل در موسسه شانگهای، در نشریه شانگهای دیلی می‌نویسد: «چین رویه تحمیل تحریم‌های ثانویه آمریکا بر روابط تجاری خود با کشورهای ثالث را به هیچ وجه نمی‌پذیرد، چرا که این اقدام به معنای تسلیم حاکمیت تجاری چین در برابر واشنگتن است.»

با این حال، پکن به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده انرژی در جهان که بخش اعظم نیازهای انرژی خود را از تنگه هرمز دریافت می‌کند، یکی از اصلی‌ترین طرف‌هایی است که از ناامنی در منطقه خلیج فارس و انسداد تنگه هرمز آسیب می‌بیند. ۶ ماه اختلال در تردد در آب‌های جنوبی ایران، به دلیل ناامنی‌های ناشی از اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا، باعث شده‌است تا دورنمای اقتصاد چین در سایه تردید و

بدبینی قرار گیرد. افزایش جهانی قیمت انرژی و ناتوانی کشورهای کرانه خلیج فارس از صادرات نفت خام به چین، این کشور را در دستاورد برای چین محسوب خواهد شد. اما مداخله چین مختلف در ادارات مجزا استفاده کند. این یعنی مهاجم نه تنها به یک اداره، بلکه به کل اکوسیستم اداری متصل به این شبکه دسترسی پیدا کرده است.

سقوط امنیتی برلین

مختلف در ادارات مجزا استفاده کند. این یعنی مهاجم نه تنها به یک اداره، بلکه به کل اکوسیستم اداری متصل به این شبکه دسترسی پیدا کرده است.

۲. تحلیل داده‌های سرتنی (تأثیر استراتژیک):

نشت اسناد CBRN (مقابله با تهدیدات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای) بحرانی‌ترین بخش این حمله است. این اسناد شامل «نقشه عملیاتی» دولت در شرایط اضطراری هستند. در دست مهاجمان، این اطلاعات تبدیل به یک «راهنمای نقاط ضعف» می‌شود؛ یعنی دشمن اکنون می‌داند دولت در برابر چه تهدیداتی چه واکنشی نشان می‌دهد و کجای سیستم دفاعی آن‌ها حفره دارد.

سجاد عابدی

حمله گروه «ریسپدا» (Rhysida) به زیرساخت‌های دولتی برلین، فراتر از یک سرقت داده ساده، یک «شکست استراتژیک در مدیریت ریسک سایبری» است. این رخداد را می‌توان از سه منظر فنی، امنیتی و حکومتی تحلیل کرد:

۱. تحلیل بردار حمله و نفوذ: شبکه BeLa (شبکه فیبر نوری متصل‌کننده دفاتر دولتی) نشان‌دهنده آسیب‌پذیری در لایه‌های زیرساختی است. وقتی یک شبکه ترست‌شده (Trusted Network) مانند BeLa مورد نفوذ قرار می‌گیرد، مهاجم می‌تواند از تکنیک «حرکت عرضی» (Lateral Movement) برای دسترسی به سرورهای